



7 معرفت مہدوی

در کلام وحی از زبان خازنان وحی :

ابواب معرفت قرآنی بہ حضرت مہدی 7 جزء اول نشر دوم

تحقیق و تدوین: عبد اللہ علوی فاطمی

اراء و نشر: پڑوسکدہ علوم معرفت الہی بنیاد حیات اعلیٰ

باہمکاری: پڑوسکدہ علوم کلام وحی و پڑوسکدہ علوم کلام خازنان وحی :

طرح و برنامہ ریزی پڑوشی و مدیریت و اشرف علمی

دار المعارف الإلیتیہ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَبِهٖ نَسْتَعِیْنُ اِنَّهٗ خَیْرٌ نَّاصِرٌ وَمَعِیْنَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَآلِهِمَا الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ
وَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ اَبَدًا اَبَدِیْنَ

در کتاب مولانا الإمام المهدی قائم آل محمد 6 از اجزاء
شریفه مصحف معانی التنزیل، بیش از سیصد موضع از آیات
قرآن کریم که به معرفت حضرتش مرتبط می شود را؛ نقل نمودیم،
تا اینکه جهت تلاوت و تدبیر اهل معرفت؛ سهل الوصول باشد.

شرح ارتباط این آیات کلام وحی با معرفت حضرتش 7 را از
متن کلام خازنان وحی : همراه با توضیحاتی به نحو اشاره؛ در
کتاب مفصّلی تدوین نموده و به نام (معرفت مهدوی در کلام وحی
از بیان خازنان وحی) نامیده ایم. اجزاء این کتاب شریف به
تدریج ارائه شده و در سطحهای مختلف (گزیده - مشروح و
مفصل) منتشر می شود، ولذا در هر نشر گزیده و بهره مندی از آن
در پی سطوح بعدی آن باشید، اجزاء نورانی این مجموعه با توجه
به موضوع آن: معرفت قرآنی به حضرت مهدی 7، فعلا در
مرسولات یاد مولا 7 منتشر می شود. از ساحت حضرتش توفیق
روز افزون در معرفت باطن قرآن و هم سخنی با کتاب ناطق را
تمنّا داریم.

باب اول: نیازمابه دانستن معارف مهدوی 7 نهفته در کلام وحی

حیات اعلی: چندی پیش سؤالی از برخی پژوهشگران رسید؛ پاسخ به این پرسش؛ انگیزه شروع انتشار اثر مخزون و محفوظی شد که مدتها در پی توفیق نشر آن بودیم، ابتدا اقتباسی از این سؤال و جواب را (که اشاره به عناوین نیازهای ما به دانستن معارف مهدوی نهفته در کلام وحی دارد) نقل نموده و در بخش سوم قطعه دیگری از این جوابیه را (که به انواع آیات قرآنی مرتبط با معارف مهدوی 7 است) نقل می‌نمائیم.

سؤال: الحمد لله سالهای بسیاری است که خداوند ما را به درگاه ولایت کبری (منه السلام) هدایت فرموده و دل ما را از انوار معارف الهی روشن نموده است، از حضرتش استمرار و افزونی آن را خواهانیم، از جمله این آموخته‌ها: برنامه تلاوت کلام وحی ویژه هر مناسبت معنوی است که جزو آئین هر هنگام ولایت و برائت است، از آنجا که بالاترین امر معرفت وجه الله دوران حضرت صاحب الامر (منه السلام) است، لذا دوست داشتم که آیات کلام وحی را که در خصوص حضرتش نازل گردیده آشنا شوم، تا افزون بر تلاوت؛ در مطالعه و تدبر آن نیز موفق شده، و در معرفت

حضرتش بیشتر موفق شوم، از طرفی این امر در روزهای جمعه و مجالس توجه که مرتباً برگزار می شود نیز بسیار مورد نیاز می باشد، افزون بر اینها می توانم در قرائت نمازهای واجب و مستحب از آنها نیز بهره ببرم، همچنین برای حفظ آنها و تعلیم به فرزندان؛ و مباحثات و سخنرانیهای تدریسی و تبلیغی نیز به آنها نیاز دارم، اگر عنایت نمائید و ما را با این آیات شریفه از قرآن کریم آشنا نمائید؛ بسیار ممنون می شوم.

جواب:

۱- پیشینه تلاش پیوسته شما در راه معارف الهی؛ و نیز پرسش بسیار گزیده و پرفائده تان؛ سبب گشودگی ابواب معرفت گردیده، لذا در پاسخ شما گنجینه ای را می گشایم که سالها منتظر زمان مناسب گشودن و نشرش بودم.

۲- هر چند تلاوت کلام الله و ختم آن (چه به ترتیب رایج و چه به ترتیب نزول) برکات بسیاری دارد، ولی در جای جای کلام خازنان وحی: می بینیم که آیات قرآن مجید توسط حضرات معصومین: بطور موضوعی تلاوت و تعلیم و تفسیر و توصیه گردیده، بلکه این روش؛ شرط اصلی ارتباط با معانی نورانی کتاب خدا تلقی شده است، و این همان مفتاح ابواب معارف قرآنی و کلید

گنجهای این پیام آسمانی است. چه اینکه در این ارتباط و تلاوت خاص است که توجه به شأن نزول و آگاهی به اسباب تنزیل و معرفت حقایق تأویل حاصل می‌گردد. البته بجز آنچه اشاره گردید؛ فوائد بسیار دیگری نیز بر آن مترتب است، که همگی در این نتیجه و هدف (ارتباط با معانی) مشترکند.

۳- البته برای بهره مندی از این آیات شریفه؛ ابتدا باید با متن نورانی آنها آشنا شده، سپس به فهم معانی آنها پرداخت، این امر از واژگان شناسی کلام وحی شروع شده؛ و به شرح تفصیلی کلام خازنان وحی : در بیان این آیات شریفه منتهی می‌شود.



باب دوم: بیان انواع ارتباط معانی در آیات قرآنی

۱- شأن نزول بسیاری از آیات شریفه قرآنی به يك موضوع خاص محدود نبوده، بلکه موضوعات متعددي را نظر دارد.

۲- تحقق شأن نزول آیات شریفه قرآنی محدود به عصر نزول وحی نبوده، و موضوع بسیاری از آیات کریمه تا سالها بلکه قرنها بعد واقع نگردیده، و بالاتر از اینها: آیات بسیار دیگری (همچون قیامت کبری و صغری و رجعت و ظهور) هست که هنوز شأن نزولش اتفاق نیافتاده است، جز اینها بسیاری از آیات قرآنی حکم الهی مستمر بوده، و رخداد مصادیق آن تکوینا و تشریعا دوام داشته، بلکه تا نهایت عالم همواره برقرار خواهد بود.

۳- اشتها برخی از شأن نزولهای يك آیه قرآنی و ارتباطش با واقعه ای؛ مانع از وجود شأن نزولهای دیگر برای آن آیه و ارتباطش با وقایع دیگر نمی باشد.

۴- آیات قرآنی فراتر از الفاظ ظاهریشان معانی وسیع دیگری نیز دارند، که در بسیاری از آیات این معانی از ظاهر الفاظ آشکار نشده و دسترسی با این حقایق و دقایق تنها با بیان گنج بانان وحی میسر می گردد.

۵- در برخی از آیات قرآنی؛ ضمن اینکه معنای کل آیه مطابق ظاهر الفاظش بوده، ولی معانی خاصی در قطعه ای از آیه منظور صاحب وحی بوده، که شرح این موارد را چگونه تنها در نزد خاندان وحی و تنزیل : محفوظ مانده و از ایشان بدست می آید.

۶- وقتی حضرت ولایت کبری (منه السلام) و امام عصر 7 باطن قرآن است، یعنی که همو معنی حقیقی کتاب خداوند است، ولذا در هر آیه شریفه قرآنی ارتباط یا ارتباطاتی معنایی با حضرات معصومین : نهفته است، از این رو از کثرت موارد پیوند معنایی کلام وحی با مقام ولایت تعجبی نبوده، بلکه اگر در آیه ای سخنی از این بستگی و ارتباط مفهومی نرفت؛ آنجا باید سؤال شود که ارتباط معنایی این آیه با باطن قرآن چه بود؟ و چگونه بیان نشد.

۷- در کلام خازنان وحی : آمده است که: ثلث یا ربع قرآن درباره ما اهل بیت 9 نازل شده، و همین مقدار از قرآن نیز درباره دشمنان ما بوده، و مابقی احکام و فرائض و عبرت از سرگذشتهاست.

این کلام شریف منافاتی با مطلب فوق نداشته، بلکه مؤید آن بوده؛ و در حقیقت نوعی تقسیم بندی جزئی داخل موضوع (بیوستگی کلی کلام وحی قرآن کریم با باطن آن اهل بیت 9)

است، و این همان مطلب مهمی است که پیامبر 6 در میان امت خود باقی گذاشته، و بارها همه مسلمانان را به آن وصیت و سفارش و به پیروی آن دعوت نموده اند، و به حدیث ثقلین معروف شده است، این حدیث متواتر میان همه مذاهب مسلمین بوده؛ و درباره آن کتابهای بسیاری نوشته اند.

نکته مربوط به مبحث ما که در این حدیث بر روی آن تأکید شده است تعبیر: (لن یفترقا) می باشد، یعنی که: قرآن و عترت: جدانشدنی هستند، این جدانشدن با لفظ "لن" بیان شده که به معنای نفی ابدی است، و ابدی بودن جدانشدن آنها بخاطر یکی بودن آنهاست.



باب سوم: انواع آیات قرآنی مرتبط با معارف مهدوی 7

✓ در معرفت حضرت صاحب الزمان (إليه التسليم) جهات فراوانی مطرح بوده، که هر يك تعمق در باب خاصی از آیات کلام وحی را می طلبد مانند:

۱- ارتباط وجه الله با نام مبارکه "الله" و آیات مشتمل بر اسم "الله".

۲- ارتباط حقیقت حضرات معصومین : از جمله حضرت

حجة بن الحسن العسكري 8، با معانی اسماء و صفات الهی و آیات مربوطه به اسماء و صفات خداوند متعال.

۳- مرتبه خلیفه الهی و آیات مربوطه به آن.

۴- مرتبه ولایت الهی و آیات مربوطه به آن.

۵- مرتبه امامت نورانی و آیات مربوط به آن.

۶- یکی از اهل بیت طهارت : بودن و آیات مربوط به آن.

۷- مسؤلیت دعوت و تبلیغ معارف الهی (مشترک میان انبیاء و اوصیاء الهی (: و آیات مربوط به آن.

✓ البته ابواب دیگری از آیات قرآنی نیز به معرفت حضرت

امام زمان 7 مربوط بوده، که ورود در تفصیل آن کتاب مستقلی

می طلبد، از این رو ما در این جوابیه به آیات شریفه ای می پردازیم که یا در خصوص حضرتش نازل گردیده، و یا در تبیین خازنان وحی : از آن آیات؛ به نام حضرتش تصریح شده، و یا تنزیل آن آیات و یا تحقق مفاد آنها به نحوی به امر معرفت یا حیات یا غیبت یا ظهور یا عصر حضرتش ارتباط داده شده است.

✓ آیات شریفه قرآنی مرتبط با **حضرت امام مهدی 7** در

مجامع حدیث همه مذاهب مسلمین مطرح شده است و ما افزون بر کلام خازنان وحی : که در مجامع حدیث شیعه ذکر شده؛ احادیث نقل شده در منابع حدیث مذاهب دیگر را در این مجموعه نیز مد نظر داشته ایم.



باب چهارم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در کلّ سوره فاتحه الکتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ② الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

⑤ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦

۱- اولین اشارت در قرآن کریم که مربوط به یاد حضرت مولا صاحب الأمر 7 می باشد، در سرآغاز کلام شریف وحی یعنی فاتحه الکتاب سوره مبارکه حمد آمده است.

۲- از اهمیت این سوره شریفه همین بس که خداوند متعال بخاطر نزول این سوره؛ بر پیامبرش 9 منت گذاشته و آنرا همانند کل قرآن مجید معرفی نموده است: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ (ترجمه) و هر آینه ما به تو سبع المثانی و قرآن عظیم را داده و آنرا برایت آوردیم.

۳- این فضیلت بخاطر ویژگی خاصی است که در این سوره بوده و آنرا سرآغاز کلام وحی و فاتحه الکتاب نموده است.

۴- ویژگی خاص این سوره که سبب برابری ارزش آن با کل قرآن است؛ آنکه این سوره مبارکه: **أمّ الكتاب** بوده، که به معنی "**محور** و اساس و ریشه و منبع دربرگیرنده همه کتاب الهی" می باشد، و این روست که این سوره عظیمه حاوی همه حقایق قرآنی است، و در بیان گنج بانان وحی :توصیف و تأکید شده است که: آنچه در سرتاسر قرآن کریم از حقایق و معارف و اسرار وجود دارد؛ همه در سوره **أمّ الكتاب** (یعنی سوره الحمد) وجود داشته؛ و به رمز و اشاره ذخیره گردیده است.

برای همین است که این سوره مبارکه سرآغاز هر تلاوت و ارتباط با حقایق قرآنی بوده، و هیچ نمازی بدون تلاوت سوره **فاتحه** صحیح نمی باشد.

۵- با توجه به ویژگی **درب‌گیرندگی** سوره الحمد؛ طبیعتاً این سوره جلیله حاوی اشارات مربوطه به حقیقت عظیم حضرت مهدی قائم آل محمد **۶** نیز می باشد. خصوصاً حقیقتی که بخاطر اهمیتش در بیش از سیصد جای قرآن کریم به آن اشاره و یا تصریح شده است.



سورة الحجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ
سَتَعْبُدُونَ هَذَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

سورة الحجرات

باب پنجم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در آیه شریفه:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

۶- در کلام نورانی گنج بانان وحی آمده است که: آنچه در

سوره أمّ الكتاب از حقایق و معارف و اسرار وجود دارد؛ همه در آیه آغازین سوره الحمد یعنی: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ (بسملة) وجود داشته؛ و در این آیه به رمز و اشاره ذخیره گردیده است.

۷- ازین روست که این آیه شریفه؛ سرآغاز کلام وحی و هر تلاوت و ارتباط با حقایق قرآنی بوده، بلکه هیچ کاری بدون آغاز با تلاوت آیه بسملة ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به انجام و کمال نمی رسد.

۸- با توجه به ویژگی دربرگیرندگی بسملة؛ طبیعتاً این آیه جلیله حاوی اشارات مربوطه به حقیقت عظیم حضرت مهدی قائم آل محمد ۹ نیز می باشد. حقیقتی که بخاطر اهمیتش در بیش از سیصد جای قرآن کریم به آن اشاره و یا تصریح شده است.

۹- نام شریف ﴿الله﴾ محور مطالب این سوره مبارکه و مخصوص این آیه شریفه است، افزون بر ارتباط کلیت آیه بسمله با معرفت مهدوی 7، این معرفت با این کلمه جلیله نیز مرتبط است، از آنجا که امام عصر 7 مظهر اسم "الله" و "وجه الله دوران"

است، لذا تأمل در این اسم عظیم (الله) و فقرات مربوط به آن نیز؛
خود ابواب دیگری از معرفت حضرتش را بر اهل درایت می
گشاید.

۱۰- در خواص آیه شریفه ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ بزرگان کتابها
نوشته اند، ما در اینجا به نقل واقعه ای (که مربوط به یکی از
افراد مورد عنایت ناحیه مقدسه؛ که برخی خواص بسملة را از
حضرتش فراگرفته) بسنده نموده و آنرا نقل می نمائیم:

عالم شریف مرحوم سید محمد جزایری ؛ از جناب حضرت
مستطاب زعیم العلم ومؤسسہ، حامی المذهب ومشیّدہ، مربّی
العلماء الأعاظم، سیّدنا الاستاد الحاج آقا السيّد ابو القاسم الخوي
التجفی 1، از شیخ احمد، خادم حضرت رئیس الملة، ومحی
الشريعة، مرحوم مبرور میرزای شیرازی بزرگ 1 نقل فرمود، که
آن شیخ احمد می گفت: برای مرحوم میرزا؛ خادم دیگری بود
موسوم به شیخ محمد. وی پس از فوت مرحوم میرزا، ترك معاشرت
نموده و عزلت اختیار کرده بود. يك روز همان شیخ احمد بر آن
شیخ محمد وارد می شود. می بیند که هنگام غروب آفتاب، (مخزن
نفت) چراغ خود را به آب زد و از آب پر نمود و آن را روشن کرد،
و چراغ کاملاً افروخته شد، و آن شخص خیلی تعجب کرد. (در

نقل دیگر: یکبار متوجه می شود که شیخ محمد دیگر نفت چراغ
نمی خرد ولی با همه اینها همیشه شبها اتاقتش روشن است،
مراقبت می کند می بیند که در وقت خلوتی او می آید کنار حوض
و چراغ خود را به آب می زند و از آب پر نموده و آن را روشن
کرده، و چراغ کاملاً افروخته می شود، شیخ احمد خیلی تعجب
کرده) از او سببش را پرسید. شیخ محمد در جواب گفت: پس از
فوت مرحوم میرزا (ی شیرازی)، چون از غصه مفارقت آن مرحوم،
من قطع معاشرت با مردم نموده و اوقات خود را در خانه (در نقلی:
حجره اش در مدرسه میرزا در سامراء) به سر می بردم، دلم بسیار
گرفته شد و حزن و اندوه شدید بر من دست داد. یک روز طرف
آخر روز، دیدم که شخص جوانی به صورت یکی از طلاب عرب
بر من وارد شد، بر سرش عمامه سفیدی بود، و با من انس گرفت
و تا غروب توقف فرمود؛ و از بیانات او به قدری خوشم می آمد و
لذت می بردم که تمام هم و غم از دلم برطرف شد و با او مأنوس
شدم، و تا چند روز بر آمدن خود استمرار داد. در یکی از روزها
که بر من وارد بود و با من صحبت می نمود، به خاطر آمد که
امشب چراغم نفت ندارد. چون در آن وقت، رسم چنین بود که
دکانها را مقارن غروب آفتاب می بستند و در شب بالمره دکانی نبود؛

فلذا در تردّد و تفکّر فرو رفتم که: اگر از شیخ اجازه بیرون رفتن
 برای خرید نفت بخواهم، از فیض مذاکرات و سخنان او محروم می
 شوم؛ و اگر نگویم و نروم، شب را باید تاریک به سر برم. چون
 حالت تحیّر بر من دست داد، آن شیخ متوجّه شد به من. فرمود: تو
 را چه شده است که خوب گوش به سخنان من نمی دهی؟! گفتم:
 دلم خدمت شما است. فرمود: نه، درست دل نمی دهی! گفتم:
 حقیقت مطلب چنین است که امشب چراغ نفت ندارد. و قضیه
 را تا آخر برایش گفتم. فرمود: بسیار جای تعجب است که اینقدر
 ما برایت حدیث خواندیم و از فضل ﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾
 بیان کردیم، و تو اینقدر استفاده ننمودی که از خرید نفت
 مستغنی شوی؟! گفتم: یادم نیست چنین حدیثی که می فرمایید.
 فرمود: فراموشت شده، من برایت گفتم: از خواصّ و فواید ﴿بِسْمِ
 اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾ آن است که چون آن را به هر قصدی بگویی،
 آن مقصود حاصل می گردد؛ تو هم چراغ خود را به آب زده و
 ﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾ بگو، به قصد آنکه خاصیت نفت
 دهد و روشن شود، چنین خواهد شد. من قبول کردم. برخاستم
 چراغ خود را به همین قصد از آب پر نموده و مقارن با پر کردن
 آن، ﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾ گفتم و آن را روشن نمودم؛

افروخته شد و شعله کشید. و از آن به بعد هر وقت خالی می شود،
آن را به آب می زنم و "بسم الله" می گویم و روشنش می کنم.

✓ سید ناقل معظم له (مرحوم آیت الله خوئی) فرمود که:

غریب آن بود که پس از نشر این قضیه، آن عمل از آن مرحوم
(شیخ محمد) از اثر نیفتاد. (چون بسیاری از این امور خارق العاده
مشروط به کتمان بوده و در اثر افشاء آن؛ اثرش تمام می شود).

✓ مرحوم شیخ محمد (خادم میرزای شیرازی) مشمول
توفیقات دیگری نیز از ناحیه مقدسه بوده است.

✓ شرط کارآیی بسیاری از اعمال: رعایت آداب و صلاحیت
فرد عامل؛ یا اجازه صاحب نفس؛ یا اجازه دارنده (اجازه آن عمل)
می باشد. البته ممکن است در برخی از اوقات يك شخص معمولی
در اثر انقطاع حال؛ و یا توسل معنوی؛ موفق به بهره مندی مقطعی
از این خوارق اعمال نیز بشود. **إِنَّهُ هُوَ الْمُوفِقُ الْمَعِينُ.**

✓ در اثر مواظبت بر ذکر آیه بسملة در شروع هر کار؛
خصوصا با طهارت؛ افراد بسیاری؛ نتایج مهمه ای دیده اند،
خصوصا با توجه به نکات مربوطه به معرفت مهدوی 7 در
این آیه مبارکه، کما اینکه اثر فوق العاده (ظاهر از بسملة) در
واقعه فوق الذکر نیز؛ مرتبط با حضرتش بوده است.

باب ششم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در آیه شریفه:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

۱۱- در توصیف محور این سوره مبارکه ﴿الله﴾، روی نام شریف ﴿رب﴾ تأکید شده است، خازنان وحی: در توضیح آیه شریفه دیگری ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ تبیین نموده اند که: "ربّ الأرض" همان "امام الأرض" است، و سرپرست و مربی همه عوالم هستی حضرت صاحب الأمر (منه السلام وإليه التسليم) است، لذا این حقیقت نهفته در این کلمه جلیله (ربّ) و فقرات مربوط به آن؛ خود گنجینه دیگری از معارف مهدوی 7 در سوره فاتحه کتاب می باشد.

✓ جناب مفضل جعفی 1 از حضرت امام صادق 7 شنیده که حضرتش درباره کلام خداوند در قرآن مجید: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ فرمود: ربّ الأرض یعنی امام الأرض، مفضل می گوید گفتیم: وقتی (مهدی 7) قیام نمود چه اتفاقی می افتد؟

(۱) قرآن کریم سوره الزمر آیه ۶۹.

(۲) تفسیر البرهان (قدیم) ج ۴ ص ۸۷ ح ۱ / عن علي بن إبراهيم قال حدثنا محمد بن أبي عبد الله، قال حدثنا جعفر بن محمد قال حدثني القاسم بن ربيع قال حدثنا صباح المدائني قال حدثنا المفضل بن عمر عن الصادق 7 أنه سمع أبا عبد الله 7 يقول في قوله {وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا} قال: رب الأرض يعني إمام الأرض قلت: فإذا خرج يكون ما ذا؟ قال إذا يستغني الناس عن ضوء الشمس ونور القمر يجتزون بنور الإمام.

حضرت امام صادق **7** فرمود: در آن زمان مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز شده و به نور امام **7** اکتفا می نمایند.

۱۲- در قرآن کریم واژه "رَبِّ" برای غیر خداوند متعال؛ مکرراً بکار رفته است، آن هم از زبان پیامبر الهی حضرت یوسف **7**:

﴿إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ﴾^۳ ﴿أَذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾^۴؛ ﴿إِرْجِعْ إِلَى رَبِّكَ﴾^۵، که در همه اینها مقصود سرپرست و مولا و سرور است،

و برای اهل معرفت: سرور و سرپرست و مولا فقط امام زمان و ولی عصر و صاحب الأمر **7** بوده، که در این دوران حضرت

محمد المهدی **7** می باشد، و این همان ربّ است؛ که در قیامت وعده دیدار رویش به اهل ایمان داده شده است، ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

نَاضِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ﴾^۶، که مقصود همان نگاه به صورت مولای زمان خود می باشد، و إلاّ ساحت قدس الهی منزّه است از صورت

و جلّ شأنه عن الرؤیة، ولذا وقتی که حضرت موسی کلیم الله **7** به درگاه خداوند عرض نمود: ﴿أَرِنِي أَنظُرُ إِلَيْكَ﴾ (ترجمه) رویت را

به من بنما تا به آن نگاه کنم، پاسخ آمد که: ﴿لَنْ تَرَانِي﴾ (ترجمه) هیچگاه مرا نمی بینی.^۷

(۳) قرآن کریم سوره یوسف آیه ۲۳.

(۴) قرآن کریم سوره یوسف آیه ۴۳.

(۵) قرآن کریم سوره یوسف آیه ۵۰.

(۶) قرآن کریم سوره القیامة آیه ۲۳.

(۷) قرآن کریم سوره الأعراف آیه ۱۴۳.

۱۳- در بیان کلام نورانی گنج بانان وحی :توصیه شده است که: اهل معرفت و ایمان در هر بیادآوری نعمتی از نعمتهای الهی خداوند را شکر نموده، و برای شکرگزاری حمد نمایند ﴿الحمد لله رب العالمین﴾ ، و فضائل بسیاری برای این نوع شکرگزاری بیان نموده اند، بلکه فرموده اند: شکر نعمت خداوند ادا نمی شود مگر با ذکر این شکرگزاری: آیه شریفه ﴿الحمد لله رب العالمین﴾.^۸

۷ اگر با معرفت مهدوی ۷ مربوط به این آیه شریفه؛ در این توصیه ها و فضیلتها تأمل شود؛ ابواب دیگری از معارف مهدوی ۷ را به روی ما می گشاید، بلکه در هر حمد و شکری که با ذکر این آیه شریفه می شود؛ برای ما توجه و ارتباطی خاص را به ساحت نورانش؛ به ارمغان می آورد.

(۸) الخصال ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۵۲ ص ۷۲ الصدوق یاسناده عن علي بن الحسين ع قال: ومن قال: الحمد لله فقد أدى شكر كل نعمة لله تعالى.

الكافي ج ۲ ص ۹۶ ح ۱۴۴ الكليني عن محمد بن احمد بن علي بن الحكم عن صفوان الجمال عن ابي عبد الله ۷ قال قال لي: ما أنعم الله على عبد بنعمة صغرت أو كبرت فقال: الحمد لله إلا أدى شكرها.

الكافي ج ۲ ص ۹۷ ح ۱۸ الكليني یاسناده الى حماد بن عثمان قال: خرج ابو عبد الله ۷ من المسجد وقد ضاعت دابته فقال: لئن رد الله علي لأشكرن الله حق شكره قال: فما لبث أن أتني بها فقال ۷: الحمد لله فقال قائل له: جعلت فداك أليس قلت: لأشكرن الله حق شكره؟ فقال أبو عبد الله ۷: ألم تسمعني قلت: الحمد لله.



باب هفتم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در آیه شریفه:

﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾

۱۴- اقتضای ربوبیت و تدبیر جهان هستی؛ داشتن صفت رحمانیت و رحیمیت است ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾، همانطور که خداوند مدبر و پروردگار عوالم هستی؛ رحمت عام و خاص دارد، یکی برای اداره تکوینی معمول و رزق مقسوم هر کسی، و یکی هم تحفه برای خواص، همینطور حضرت مهدی 7 (که وجه الله و امام زمان است) نیز يك عنایت عام دارد؛ که شامل همه کائنات بوده و صالح و طالح از آن بهره می برند، و يك عنایت خاص داشته؛ که تنها برای اهل ایمان می باشد.

۱۵- در کلام خازنان وحی: ؛ رحمانیت و رحمت عامه امام 7 و ارتباط نام ﴿الرَّحْمَنُ﴾ با معرفت مهدوی 7 طی احادیث بسیاری تشریح شده، که برخی را بطور نمونه می آوریم:

✓ جناب جابر جعفی از حضرت امام باقر 7 می پرسد که: برای چه نیاز به پیامبر و امام هست؟ حضرت فرمودند: برای اینکه جهان بر صلاح و سامان باقی و پایدار بماند... سپس در

ادامه حضرتش درباره آیه ﴿أولى الأمر﴾^۹ از پیامبر ۹ نقل می فرماید که: اولی الامر کسانی هستند که معصوم و مطهرند ... خداوند بوسیله آنها بندگانش را روزی می دهد، و بوسیله آنها سرزمینهایش را آباد نگه می دارد، و بوسیله آنها قطره های باران را از آسمان فرو می آورد، و بوسیله آنها برکات زمین را بیرون می آورد و بوسیله آنها خداوند به اهل معاصی مهلت می دهد و تعجیل در عقوبت و عذابشان نمی کند.^{۱۰}

✓ حضرت امام باقر 7 درباره نقش امامان : در عصر خودشان فرموده اند: بوسیله آنها خلائق عالم روزی داده می شوند و بوجود ایشان است که زمین و آسمان برقرار و استوار می باشد.^{۱۱}

✓ در کلام خازنان وحی : احادیث بسیاری هست با این مضمون که: اگر ساعتی امام در زمین حضور نداشته باشد؛ زمین

(۹) قرآن کریم سوره النساء آیه ۵۹.

(۱۰) بحار الأنوار ج ۲۳ ص ۱۹ / ۱۴۶ / علل الشرایع ص ۵۲: الصدوق عن الطالقانی عن الجلودي عن المغيرة بن محمد عن رجاء بن سلمة عن عمرو بن شمر عن جابر عن ابي جعفر 7 قال قلت لابي شيئ يحتاج الى النبي والإمام؟ فقال: لبقاء العالم على صلاحه... (ثم يروي عن رسول الله 9 في قوله تعالى: اولى الأمر منكم): و هم المعصومون المطهرون... بهم يرزق الله عباده و بهم يعمر بلاده و بهم ينزل القطر من السماء و بهم تخرج بركات الأرض و بهم يمهل اهل المعاصي ولا يعجل عليهم بالعقوبة والعذاب.

(۱۱) بصائر الدرجات الكبرى ص ۴۸۸ ج ۱۰ ب ۱۲۳ ح ۳: الصفار حدثنا محمد بن عيسى قال حدثني المؤمن حدثني ابوهراسة عن ابي جعفر 7: بهم رزق الوری ووجودهم ثبتت الأرض والسماء.

ساکنانش را در خود فرو می برد همچنانکه امواج دریا
طوفانزدگان دریا را در خود غرق می کند.^{۱۴}

۱۶- ساختار وجودی حضرت ختمی مرتبت ۹ و مأموریت
رسالتش: رحمت برای جهانهاست. خداوند در قرآن کریم فرموده
است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^{۱۳}، اهل بیت پیامبر و
حضرات معصومین ۹ نیز چنین هستند، و "اهل بیت الرحمة" از
اوصاف مهم ایشان است، همچنین از القاب حضرت مهدی 7
"خليفة الرحمن" می باشد، در این زمینه دهها حدیث در کلام
خازنان وحی وارد شده؛ که ارائه و شرح آنها خود کتاب
مستقلی می شود.

۱۷- در بیان خازنان وحی : از کلام وحی ﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ
لِلرَّحْمَنِ﴾ آمده است که: مقصود از روزی که پادشاهی برای رحمن
است،^{۱۴} روز قیام قائم 7 است.^{۱۵}

(۱۲) اکمال الدین ص ۱۱۶ الصدوق عن ابیه وابن الولید معا عن سعد والحمری معا عن البقطنی
وابن ابی الخطاب معا عن زکریا بن محمد المؤمن وابن فضال معا عن ابی هراسه عن ابی جعفر
7 قال: لو ان الإمام رفع من الأرض ساعة لساخت بأهله كما يمجح البحر بأهله.
الغیبة ص ۶۹ النعمانی عن الكلینی عن علي بن ابراهيم عن البقطنی مثله.

(۱۳) قرآن کریم سوره انبیاء آیه ۱۰۷.

(۱۴) قرآن کریم سوره الفرقان آیه ۲۶.

(۱۵) تأویل الآیات الظاهرة الإسترابادی: محمد بن العباس: قال: حدثنا محمد بن الحسن بن علي،
عن أبيه الحسن بن علي عن أبيه علي بن أسباط قال: روى أصحابنا عنهم : في قول الله عز
وجل (الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ) قال: ان الملك للرحمن اليوم (وقبل اليوم) وبعد اليوم، ولكن إذا
قام القائم 7 لم يعبد إلا الله عز وجل.
۲۴

۱۸- در آیات بعدی همین سوره؛ سؤال (اهل انکار) از معنی و مقصود از ﴿الرَّحْمَن﴾ مطرح شده است:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ؟ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا﴾ (ترجمه) و اگر به آنها گفته شود که سجده کنید برای رحمن، می گویند: رحمن چیست؟ آیا سجده کنیم برای آنچه توبه ما فرمان می دهی؟^{۱۶}

در احادیث شریفه "سجده" به معنی "اطاعت و پیروی" نیز تفسیر شده است، و از انکار و سؤال معلوم می شود که مورد توصیه به سجده (اطاعت)؛ امری بوده که خودشان قبلاً آنرا (به لزوم اطاعت) نمی شناخته اند، و الآن با معرفی پیامبر ﷺ باید ملتزم شوند.

در آیه بعدی در مقام تقدیس حق تعالی می فرماید: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا﴾ (ترجمه) مبارک است آنکه در آسمان بروج را قرار داده است،^{۱۷} و در بیان خازنان وحی: مکررا تاکید شده است که مقصود از "بروج آسمانی" مذکور در آیات قرآنی حضرات ائمه اثنا عشرند .:

(۱۶) قرآن کریم سوره الفرقان آیه ۶۰.

(۱۷) قرآن کریم سوره الفرقان آیه ۶۱.

۱۹- در دنباله آیات فوق؛ سخن از اوصاف ﴿عباد الرَّحْمَنِ﴾ می شود،^{۱۸} و در بیان خازنان وحی : از این آیات آمده است که: مقصود از ﴿عباد الرَّحْمَنِ﴾ اوصیاء و أولیاء الهی هستند که در وقت ظهور یا ورقائم 7 می باشند.^{۱۹}

۲۰- همچنین در کلام خازنان وحی : سخن خداوند؛ نقل شده است، درباره "رَحْمٌ" به عنوان نماد رحمت الهی و ارتباط "رَحْمٌ" با نام الرَّحْمَانِ خداوند، (که چطور به اذن خدا؛ به قطره آب بی مقداری خلقت کاملی می بخشد که سزاوار تبارک الله احسن الخالقین می شود، و از این روست که "رَحْمٌ" احترام و حرمت داشته و "ارحام" هم بدین جهت اهمیت و لزوم مواصلت پیدا می کنند). و اگر چه "رَحْمٌ" و "ارحام" به معنی عام؛ از این معنا و لوازمش برخوردارند، ولی اساس این ارتباط و ویژگی برای آن "رَحْمٌ" بوده که محور آل محمد 9 است، و آن "رَحْمٌ" و "ارحام" آل محمد است، که احترام و حرمت و مواصلتشان فریضه همگانی است. حضرت امام حسن عسکری 7 در حدیث مفصلي نقلی فرمودند که:

(^{۱۸}) قرآن کریم سورة الفرقان آیه ۶۲ تا ۷۶.

(^{۱۹}) تفسیرالفرات الکوفی ص ۲۹۲-۲۹۳ ح ۳۹۵ : فرات بن ابراهیم الکوفی عن محمد بن القاسم بن عبید معننا عن ابي عبد الله في قوله تعالى وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا ... الى قوله تعالى: ... حَسَنَتٌ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، ثلاث عشرة آية قال: هم الأوصياء يمشون على الأرض هونا فإذا قام القائم عرفوا كل نصب عليه فإن أقر بالإسلام وهي الولاية، وإلا ضربت عنقه، أو أقر بالجزية فأدأها كما يؤدى أهل الذمة.

مردی آمد به حضور امام رضا 7 و گفت یا بن رسول الله مرا خبر ده از کلام خداوند عزوجل در سوره حمد که تفسیرش چیست؟ امام رضا 7 فرمودند مرا حدیث نمود پدرم از جدم از باقر از زین العابدین؛ اینکه: مردی آمد به حضور امام امیر المؤمنین : و گفت مرا خبر ده از کلام خداوند عزوجل در سوره حمد که تفسیرش چیست؟.....

(تا اینکه سخن به بیان معنی "الرَّحْمَن" رسید)...

پس امام علی 7 فرمودند: شنیدم رسول الله 9 را که می گوید: الله عزوجل فرمود: منم "الرَّحْمَان" و این (اشاره به مؤنث) رَحِمٌ است، شکافتم از نام خودم (الرَّحْمَان) نامی برای او (رَحِمٌ)، هر که پیوند نگهدارد (مواصلت نماید) آنرا، با او پیوند نگهدارم، و هر که از او پیوند ببرد، من از وی پیوند ببرم.

(در ادامه این حدیث مفصل؛ حضرت مولا 7 توضیح می فرمایند که منظور اصلی: صله رحم معنوی و مواصلت رحم آل محمد 9 است و بقیه صله رحم ها از شعاع این وظیفه مهم ارزش پیدا می کند).

سپس امیرالمؤمنین 7 فرمود: همانا این رَحِمٌ که خداوند نامش را با نام "الرَّحْمَن" مرتبط نمود و از آن اشتقاق فرمود، این رَحِمٌ

محمد ۹ است، و بخشی از رعایت عظمت برای خداوند؛
 بزرگداشت و تجلیل محمد ۹ است، و بخشی از تکریم محمد
 ۹ احترام رَجْمُ محمد ۹ است، و همانا هر مرد مؤمن و زن
 مؤمنه ای از شیعیان ما؛ از رَجْمُ محمد ۹ بوده، و احترامشان
 بخشی از احترام محمد ۹ است، پس ویل برای آنکه سبک
 بشمارد حرمت محمد ۹ را، و طوبی برای آنکه تعظیم بدارد
 حرمت محمد ۹ را و اکرام نماید رَجْمُ محمد ۹ را، و پیوند با
 او نگهدارد.^{۲۰}

محور این رَجْمُ حضرت صدیقه 3 است، و حضرت پیامبر ۹
 مولد این رَجْمُ، و حضرت مولا 7 صاحب این رَجْمُ، و بقیه
 حضرات ائمه: محصول این رَجْمُ بوده؛ که آخرینشان حضرت
 مهدی است، از این رو در آیه دیگری از قرآن کریم حق
 تعالی می فرماید: ﴿وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ
 اللَّهِ﴾^{۲۱} و در کلام خازنان وحی بیان شده است که: مقصود از
 "أولو الأرحام" حضرات معصومین ۹ هستند که اولشان

(^{۲۰}) تفسیر امام حسن عسکری 7 ص ۱۲ / بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۴۸ ح ۴۸: قال امیر المؤمنین 7: سمعت رسول الله ۹ يقول قال الله عزوجل: انا الرحمان وهي الرحم، شققت لها اسما من اسمي من وصلها وصلته ومن قطعها قطعته... ان الرحم التي اشتقها عزوجل بقوله الرحمان، هي رحم محمد و ان من اعظام الله اعظام محمد وان من اعظام محمد اعظام رحم محمد، وان كل مؤمن ومؤمنة من شيعتنا هو من رحم محمد وان اعظامهم من اعظام محمد فالويل لمن استخف بحرمة محمد وطوبى لمن عظم حرمة وأكرم رحمه ووصلها.

(^{۲۱}) قرآن کریم سورة الأنفال آیه ۷۵.

حضرت رسول الله 9 و آخرشان حضرت مهدي 7 است. و در این حدیث تصریح شده است که در هر عصري یکی از این "أولوالأرحام" سرپرستی دارند.^{۲۹}

آنچه بیان شد شمه ای از اشارات قرآنی درباره ارتباط معارف مهدوي 7 با معنای ﴿الرَّحْمَنُ﴾ بود، که برای اهل درایت و فقاہت؛ در آنها کفایت دلالت و هدایت است.

۲۱- اما رحمت خاصه: و ارتباط معنوي ﴿الرَّحِيمُ﴾ با حضرت مهدوي 7، شواهد و دلائل آن به قدری فراوان است که می توان برای آن کتاب مخصوصی تألیف نمود، ولی در اینجا فقط به واقعه سید بن طاووس و نقل مناجات حضرت صاحب الأمر 7 و تضرعش به درگاه حق تعالی برای شفاعت از شیعیان و موالیان خویش بسنده می کنیم:

(۲۱) كفاية الأثر ص ۲۲ روی محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني بإسناده عن اسماعيل بن عبد الله قال قال الحسين بن علي 8:

لما أنزل الله تبارك وتعالى هذه الآية (وأولو الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله) سألت رسول الله عن تأويلها فقال:

والله ما عني بها غيركم، فإذا أنا مت فأبوك علي أولى بها فإذا مضى فأخوك الحسن أولى به فإذا مضى الحسن فأنت أولى به قلت: يا رسول الله فمن بعدي أولى بي؟ فقال ابنك علي أولى بك من بعدك، فإذا مضى فابنه محمد أولى به من بعده، فإذا مضى محمد فابنه جعفر أولى به بمكانه من بعده، فإذا مضى جعفر فابنه موسى أولى به من بعده، فإذا مضى موسى فابنه علي أولى به من بعده، فإذا مضى علي فابنه محمد أولى به من بعده، فإذا مضى محمد فابنه علي أولى به من بعده، فإذا مضى علي فابنه الحسن أولى به من بعده، فإذا مضى الحسن وقعت الغيبة في التاسع من ولدك، فهذه الأئمة التسعة من صلبك، اعطاهم الله علمي وفهمي، طينتهم من طينتي، ما لقوم يؤذونني فيهم؟ لأنالهم الله شفاعتي.

نقل شده از ابن طاووس 1 که او شنید در وقت سحر در سرداب مقدّس، از صاحب الأمر (صلوات الله علیه) که آن جناب می فرمود: اللَّهُمَّ اِنَّ شِيعَتَنَا مَنَّا خَلَقُوا مِن شِعَاعِ اَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ (فاضل) طينتنا، وعجنوا بماء ولايتنا، اللَّهُمَّ اغفر لهم من الذنوب ما فعلوه اَكْالًا عَلٰى حَبْنًا وولائنا، فان كانت ذنوبهم بينك وبينهم فاصفح عنهم فقد رضينا، ولا تؤاخذهم بما اقترفوه من السيئات إكراما لنا، وما كان منها فيما بينهم، فاصلح بينهم وقاص بها عن خمسنا، ولا تقاصهم يوم القيامة مقابل أعدائنا، فإن خفت موازينهم فثقلها بفاضل حسناتنا، وأدخلهم الجنة وزحزحهم عن النار ولا تجمع بينهم وبين أعدائنا في سخطك،^{٢٣} (ترجمه) خداوندا همانا شیعیان ما از ما هستند، از شعاع انوار ما و باقیمانده طينت ما آفریده شده، و به آب ولایت ما خمیر گردیده اند، خداوندا بیامرزش برای آنها؛ آن گناهایی را که به اتکای (نجات با) محبت و ولایت ما مرتکب شده اند، پس اگر گناهانشان (بخطای عصیان) میان تو و آنهاست، پس از آنها بگذر چه اینکه ما راضی شدیم، و آنها را برای آنچه از بدیها مرتکب شده اند مؤاخذه مکن بخطای اکرام ما، و آنچه (از گناهان) بخطای معصیت میان خودشان است، پس

(٢٣) بحار الأنوار، جلد ٥٣ صفحه ٣٠٢ / جنة المأوى للمحدث النوري / ملحقات أنيس العابدین.

میانشان اصلاح نما و تاوانش را از خمس ما (حق ماست) بده، و روز قیامت در برابر دشمنان ما از ایشان تاوان میخواه، و اگر (کفه) میزان (عمل صالح) آنها سبک است (و نجات بخش آنها نیست) تو آنرا با زیادی حسنات ما سنگین فرما، و آنها را وارد بهشت نموده و از آتش جهنم دور گردان، و در خشمت میان آنها و دشمنان ما جمع نما.

۲۲- این مناجات عمق لطف و مهربانی حضرتش را بخوبی توصیف می کند، مولایی که برای نجات موالیانش از عواقب گناهانشان به درگاه خدا اشک ریزان مناجات و دعا نموده، و حتی شرمساری آنها در محشر را بر نمی تابد، و برای رهاییشان از جهنم و راهیابیشان به بهشت؛ با حسنات و اموال خویش تاوان و فدیة می دهد. از این روست که هر بار که یاد حضرتش می شود می گوئیم:

(منه السلام): سلام و رامش حق از اوست،

(علینا سلامه): و سلام و رامش و آسایش او بر ما برسد،

(إلیه التسلیم): و تسلیم و سرسپردگی ما به اوست.



باب هشتم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در آیه شریفه:

﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾

۲۳- ﴿يَوْمِ الدِّينِ﴾: هم اشاره به قیامت کبری است و هم اشاره به قیامت صغری است.

۲۴- در قیامت کبری این امام 7 است که از سوی خداوند حاکم محشر و میزان اعمال بوده و سزادهنده یا بخشنده است، اوست که به ملائکه می فرماید: این را به بهشت ببرید و آنرا به جهنم. ﴿مَالِكِ﴾ و اختیاردار بودن حضرات: در ﴿يَوْمِ الدِّينِ﴾ (به معنای قیامت کبری) در کلام خازنان وحی: بوضوح بیان شده است:

✓ جناب مفضل جعفی 1 از حضرت امام صادق 7 درباره آیه ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ عَلَيْنَا حِسَابُهُمْ﴾^{۲۴} (همانا بسوی ماست بازگشت آنها و به عهده ماست حسابرسی آنها) می پرسد:^{۲۵} که منظور کیست؟ حضرت 7 فرمودند: فکر می کنی چه کسانی هستند؟ ما هستیم بخدا قسم آنها! خلائق بسوی ما باز می گردند،

(۲۴) قرآن کریم سورة الغاشية آیه ۲۵-۲۶.

(۲۵) مشارق الانوار الشيخ البرسي بإسناده عن المفضل الجعفي/ بحار الأنوار- ج ۲۴ ص ۲۷۲ ح ۵۲: عن المفضل في قوله تعالى: {إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ} قال قال أبو عبد الله 7: من تراهم؟ نحن والله هم، إلينا يرجعون وعلينا يعرضون وعندنا يقضون وعن حينا يسألون.

و بر ما عرضه می شوند، و نزد ما دادرسی می شوند، و از محبت ما
پرسیده می شوند.

۷ جناب صفوان از حضرت امام کاظم 7 درباره آیه ﴿إِنَّ
إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ عَلَيْنَا حِسَابُهُمْ﴾ = (همانا بسوی ماست بازگشت
آنها و به عهده ماست حسابرسی آنها) شنیدم که فرمودند: بسوی
ماست بازگشت این خلق و بر ماست حسابرسی آنها.^{۶۶}

۶۵- در قیامت صغری هم که روز ظهور جهانی حضرت مهدی
7 می باشد، این حضرت قائم 7 است که مالک و حاکم و
اختیاردار این روز است. اینکه ﴿یَوْمَ الدِّينِ﴾ به معنای قیامت
صغری بوده؛ در کلام خازنان وحی : بوضوح بیان شده است:

۷ در بیان آیه شریفه: ﴿وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾^{۶۷} در
کلام خازنان وحی : آمده است: که حضرت امام باقر 7
فرمود: یعنی کسانی که تصدیق روز قیام قائم 7 را می نمایند.^{۶۸}

(۶۶) تفسیر فرات الکوفی ص ۲۰۷ / بحار الأنوار ج ۲۴ ص ۲۷۲ ح ۵۱ : عن إبراهيم بن فرات الكوفي عن جعفر بن محمد بن يوسف بإسناده عن صفوان قال: سمعت أبا الحسن 7 يقول: إلینا إیاب هذا الخلق وعلینا حسابهم.

(۶۷) قرآن کریم سوره معارج آیه ۲۶.

(۶۸) روضة کافی ص ۲۸۷ : محمد بن یعقوب: عن محمد بن یحیی عن علی بن محمد، عن علی بن العباس، عن الحسن بن عبد الرحمن، عن عاصم بن حمید، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر علیه السلام فی قوله (عز وجل): ((وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ)) قال: بخروج القائم علیه السلام.

۷ در بیان آیه شریفه: ﴿وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتَّىٰ أَنَا﴾^{۲۹} در کلام خازنان وحی : آمده است که حضرت امام صادق **7** فرمود: ﴿وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ فذلک یوم القائم **7** وهو یوم الدین، ﴿حَتَّىٰ أَنَا الْيَقِينُ﴾ أيام القائم **7** (ترجمه) درباره سخن اهل جهنم "ما بودیم که تکذیب یوم الدین می کردیم" حضرت فرمود: این ﴿یوم الدین﴾ همان روز (قیام) قائم **7** است، و درباره "تا اینکه به یقین رسیدیم" منظور از "یقین" روزگار (دولت) قائم **7** است.^{۳۰}



(۲۹) قرآن کریم سورة المدثر آیه ۲۶- ۲۷.

(۳۰) تفسیر فرات الکوفی ص ۱۹۴: فرات بن ابراهیم: قال: حدثني جعفر بن محمد الفزاري معنعناً عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: ((وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ، حَتَّىٰ أَنَا الْيَقِينُ)) قال عليه السلام: ((وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ)) فذلک یوم القائم علیه السلام وهو یوم الدین، ((حَتَّىٰ أَنَا الْيَقِينُ)) أيام القائم علیه السلام.

باب نهم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در آیه شریفه

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

۲۶- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾: همچنانکه تنها خداوند را بندگی سزد، همینطور تنها امام عصر 7 را پیروی سزد، و ذره ای انحراف از او و ملاحظه اغیار لغزش از صراط مستقیم، و مشارکت اغیار نیز شرك بالله العظیم است.

۲۷- ﴿إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾: تنها از خداوند می توان استعانت نموده و یاری طلبید، و توسّل به حضرت مهدی 7 و مددجویی از او؛ در همین راستاست چه اینکه او خلیفه الله و مظهر خداوند است.

۲۸- نماز توسل به حضرت صاحب الأمر 7 که تعلیم ناحیه مقدسه بوده؛ و برای استغاثه و طلب حاجت شیعیان از حضرتش سفارش شده، و بیش از هزار و صد سال است که وسیله مجرب برای تقرب اهل ایمان و نجات از شدائد موالیان بوده است، بر محور آیه شریفه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ و تکرار آن استوار بوده، و به این توصیف متمایز و معروف بوده است. همین ویژگیها برای ارتباط این آیه شریفه با معرفت مهدوی 7؛ جهت دلالت اهل بصیرت کافی است.

۲۹- نماز توسل به حضرت امام زمان (صلوات الله علیه)، از نمازهای معروفه است و جماعتی از علما آن را روایت کرده اند. از جمله: علامه مجلسی،^{۳۱} فضل الله راوندی^{۳۲} و سید جلیل علی بن طاووس در بیان نمازهای معصومین : به عنوان صلاة الحجة القائم 7،^{۳۳} و شیخ طبرسی صاحب تفسیر،^{۳۴} روایت کرده از احمد بن الدّری، از خزامة از ابی عبد الله الحسین بن محمد البزوفري: از ناحیه مقدّسه حضرت صاحب الزّمان 7 توقیعی صادر شد که: این نماز را به شیعیان تعلیم و توصیه نموده است.

۳۰- در اینجا مناسب است نسخه جامعی از روش گذاردن نماز توسل به حضرت امام زمان 7 را ارائه دهیم: از ناحیه مقدّسه حضرت صاحب الزّمان (صلوات الله علیه) توقیعی صادر شد که: هر که را به سوی حق تعالی حاجتی باشد، پس باید که: بعد از نصف شب جمعه غسل کند و به نمازگاه خود رود، (در نقلی: زیر آسمان) و دو رکعت نماز گزارد و در رکعت اول بخواند سوره حمد را، و چون به ﴿اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَايَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ برسد، صد مرتبه آن را مکرّر کند؛ و بعد از آن بقیه سوره حمد را یکبار بخواند، و بعد از

(۳۱) بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۹۱، جنة المأوى ص ۲۲۱.

(۳۲) در کتاب الدعوات ص ۸۹ در ضمن نمازهای معصومین .:

(۳۳) در کتاب مهج الدعوات ص ۲۵۱، جمال الاسبوع ص ۲۸۰.

(۳۴) در کتاب کنوز النّجاح.

آن سوره توحید یکبار (و در عمل مسجد جمکران هفت بار) بخواند، بعد از آن رکوع و دو سجده بجا آورد و ذکر تسبیح در رکوع و سجده ها را هفت مرتبه بگوید، (و در قنوت برای سلامتی و تعجیل در ظهور و دولتش دعا نماید: اللَّهُمَّ كُن لَوْلِيَّكَ...).

بعد از نماز ابتدا تسبیح حضرت فاطمه زهراء **3** بجای آورده سپس این با این دعا مناجات نماید:

اللَّهُمَّ إِن أَطَعْتُكَ فَاَلْمَحْمَدَةَ لَكَ، وَإِن عَصَيْتُكَ فَالْحِجَّةَ لَكَ، مِنْكَ الرُّوحَ وَمِنْكَ الْفَرْجَ، سَبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سَبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ، اللَّهُمَّ إِن كُنْتَ عَصَيْتُكَ فَانِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ، وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَلَمْ أَدَّعِ لَكَ شَرِيكًا، مَتَى مِنْكَ بِهِ عَلِيٌّ، لَا مَتَى مَنِّي بِهِ عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ عِبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرَبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلِكِ الْحِجَّةَ عَلِيٌّ وَالْبِيَانُ، فَان تَعَذَّبْنِي فَبِذَنُونِي غَيْرِ ظَالِمٍ، وَإِن تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَاتَّكُ جَوَادِ كَرِيمٍ.

بعد از آن تا نفس او وفا کند، یا کریم یا کریم را مکرر بگوید.

بعد از آن بگوید: يَا أَمْنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، إِن تَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْطِينِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِ

ما أنعمت به عليّ، حتّى لا أخاف أحدا ولا أحذر من شيء أبداً، إنك
على كل شيء قدير وحسبنا الله ونعم الوكيل، يا كافي إبراهيم نمرود
ويا كافي موسى فرعون أسئلك أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن
تكفيني شرّ فلان بن فلان؛

و به جای فلان بن فلان، نام شخصی را که از ضرر او می ترسد و
نام پدر او را بگوید، و از حق تعالی طلب کند که ضرر او را رفع
نماید و کفایت کند.

سپس این نوع استغاثه نماید:

اللّهمّ عظم البلاء وبرح الحفاء وانكشف الغطاء وضائق الأرض
ومنعت السّماء (x) بما وسعت السّماء، وإليك يا ربّ المشتكى
وعليك المعولّ في الشّدّة والرّخاء، اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
الذين أمرتنا بطاعتهم، وعجّل اللّهمّ فرجهم بقائهم وأظهر إعزازه،
يا محمّد يا عليّ يا عليّ يا محمّد إكفياني فانكما كافيای، يا محمّد يا
عليّ يا عليّ يا محمّد أنصرانی فانكما ناصرای، يا محمّد يا عليّ يا عليّ
يا محمّد إحفظانی فانكما حافظای، يا مولای يا صاحب الزّمان يا
مولای يا صاحب الزّمان يا مولای يا صاحب الزّمان، الغوث
الغوث الغوث، أدركنی أدركنی أدركنی، الأمان الأمان الأمان.

بعد از آن به سجده رود و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او

فرستاده، آنگاه حاجت خود را مسألت نماید و تضرع و زاری کند
به سوی حق تعالی.

پس به درستی که حق تعالی البتّه کفایت ضرر او را خواهد کرد،
ان شاء الله تعالی و حاجت او را برآورد، هر گونه حاجتی که باشد،
مگر آنکه حاجت او در قطع کردن صله رحم باشد. به درستی
که نیست مرد مؤمنی و نه زن مؤمنه ای که این نماز را بگزارد و
این دعا را از روی اخلاص بخواند، مگر آنکه گشوده می شود بر
او درهای آسمان برای برآمدن حاجات او، و دعای او مستجاب می
گردد در همان وقت و در همان شب، هر گونه حاجتی که باشد؛ و
این به سبب فضل و انعام حق تعالی است بر ما و بر مردمان.

یا صاحب الزمان



باب دهم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در آیه شریفه:

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

۳۱- کلمه شریفه ﴿اهدنا﴾ به معنی "ما را هدایت فرما" می باشد، نوع هدایت و معنی هدایت حقیقی و مثل کامل هدایت را خازنان وحی: در بیان آیات دیگر کلام وحی تبیین فرموده اند.

✓ در آیه شریفه نور و به خصوص در فقره ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾^{۳۵} مقصود از آن قائم مهدی 7 است، یعنی اوست که هدایت شده به نور الهی و هدایت کننده به آنست.^{۳۶}

✓ در کلام خازنان وحی از بیان حضرت امام صادق 7 درباره آیه ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾^{۳۷} آمده است که:

مقصود از هدایت؛ هدایت به ولایت حضرت مولا علی 7 بوده، و کسانی را که به این هدایت رسیده اند؛ خداوند هدایت بیشتری روزیشان کرده؛ و به آنها توفیق شناخت ائمه بعد از او: و قائم

(۳۵) قرآن کریم سوره نور آیه ۲۵.

(۳۶) البرهان فی تفسیر القرآن ج ۵ ص ۳۹۲ ح ۱۷: روی العلامة البحرانی عن جابر بن عبد الله الأنصاری: قال: دخلت إلى مسجد الكوفة وأمير المؤمنين صلوات الله وسلامه عليه يكتب بإصبعه ويتبسم، فقلت له: يا أمير المؤمنين ما الذي يضحكك؟ فقال: عجبت لمن يقدر هذه الآية ولم يعرفها حق معرفتها، فقلت له: وأي آية يا أمير المؤمنين؟ فقال: قوله تعالى: (الله نور السماوات والأرض...) ... ثم قال: (يهدى الله لنوره من يشاء) القائم المهدي عليه السلام.

(۳۷) قرآن کریم سوره محمد آیه ۱۷.

7 را عنایت می فرماید. ^{۳۸}

✓ در کلام خازنان وحی : آمده است که حضرت امام صادق 7 آیه ﴿وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا﴾، ^{۳۹} را اینطور تبیین نموده اند: کسانی است که هدایت یافته و به ولایت مولا علی 7 معتقد شده، خداوند هدایت بیشتری روزیشان کرده؛ و به آنها توفیق شناخت ائمه بعد از او : وقائم 7 را عنایت می فرماید، و در عصر مهدی 7 این هدایت را بیشتر افزوده و توفیق معرفت شخصی به قائم 7 را نصیبشان نموده؛ بطوریکه در او هیچ انکار و تردیدی نکرده و به پیروی کامل از او موفق می شوند. ^{۴۰}

✓ از مجموع کلام خازنان وحی : در بیان آیات کلام وحی که در فقرات ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ آمده؛ ارتباط هدایت با معرفت حضرت قائم 7 بخوبی واضح گردید، از این رو وقتی در سوره حمد بلکه

(۳۸) تأویل الآيات الظاهرة ج ۲ ص ۵۸۵ : عن ابن ابي عمير عن حماد بن عيسى عن محمد الحلبي عن الصادق عليه السلام: والذين اهتدوا بولاية علي زادهم هدى حيث عرفهم الأئمة من بعده والقائم.

(۳۹) قرآن کریم سوره مریم آیه ۷۶.

(۴۰) الکافي ج ۱ ص ۴۳۱: الكليني محمد بن يعقوب: عن محمد بن يحيى، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسن بن عبد الرحمن، عن علي بن ابي حمزة، عن ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: ((وزيد الله الذين اهتدوا هدى)) ؟ قال: يزيدهم ذلك اليوم هدى على هدى؛ تاباعهم القائم عليه السلام حيث لا يجحدونه ولا ينكرونه.

در هر جای دیگر از خداوند هدایت می طلبیم؛ حقیقت و کمال هدایت که در گرو معرفت مهدوی 7 است را باید بخواهیم.

۳۲- در کلام خازنان وحی: در بیان فقره ﴿الصراط المستقیم﴾ نیز به تصریح بیان شده است که مقصود امام عصر بوده، که در این زمان حضرت مهدی 7 است.

✓ در حدیث شریفی که از حضرت امام صادق 7 درباره تفسیر ﴿إهدنا الصراط المستقیم﴾ نقل شده،^{۴۱} آمده است که: مقصود از "صراط مستقیم" (شاهراه راست) معرفت امام 7 (در هر عصر) می باشد. (همانکه با شناخت وی؛ هدایت حقیقی امکان می یابد، و بدون معرفت او مرگ بر جاهلیت است).^{۴۲}

✓ شیخ طبرسی نقل نموده است که در احادیث اهل بیت 9 آمده است: مقصود از ﴿الصَّراطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾ همانا پیامبر و امامان 6 قائم مقام او (جانشینان او) هستند.^{۴۳}

(۴۱) تفسیر علی بن ابراهیم قمی ج ۱ ص ۵۱.

(۴۲) مضمون این حدیث در مجامع مذاهب اسلامی مکررا روایت شده و متفق علیه همه مسلمین، و در حد متواتر است، این حدیث با مضامین متعددی نقل شده و در اینجا تنها به برخی از منابع عامه ناقل دو فقره از آن؛ بسنده می کنیم: قال رسول الله 9: من مات ولم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية: صحیح البخاری، صحیح مسلم، الجمع بین الصحیحین، کنز العمال ج ۱ ص ۱۸۶، المسائل الخمسون للفخر الرازي، م ۴۷ ص ۲۸۴، الجواهر المضية للملاعلي القاري الحنفي ج ۲ ص ۵۰۹، البريقة المحمودية لأبي سعيد الحنفي ج ۱ ص ۱۱۶، ينباع المودة للقدوري الحنفي ج ۲ ص ۱۲۷، المغني لعبدالجبار المعتزلي ج ۱ ص ۱۱۶، شرح المقاصد للتفتازاني الحنفي ج ۲ ص ۲۷۵، شرح العقائد للنسفي، إزالة الغين نقلا عن البخاري، صيانة الإنسان للسبسيهاني الهندي الوهابي ص ۱۶۹، بحار الأنوار ج ۲۳ ص ۷۶ تا ۹۵ قال رسول الله 9: من لم يعرف إمام زمانه فمات ميتة جاهلية، صحیح مسلم ج ۸ ص ۱۰۷.

(۴۳) در تفسیر مجمع البيان ج ۱ ص ۲۸: {الصَّراطِ الْمُسْتَقِيمِ} إبه النبي والأئمة 9 القائمون مقامه.

باب یازدهم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در آیه شریفه:

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾

۳۳- در آیه شریفه ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ نیز به حضرتش اشاره شده است، در کلام رازداران وحی (اهل بیت 9) آمده است که: مقصود از "آنانکه بر آنها انعام نمودی" ائمه معصومین می باشند که حضرت مهدی 7 جزو ایشان است.

✓ در این باره شیخ صدوق نیز حدیثی نقل نموده است: حضرت امام صادق 7 درباره کلام خداوند (عَزَّوَجَلَّ) در سوره حمد که می فرماید: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾، مقصود خداوند از "آنانکه بر آنها انعام نمودی" حضرت محمد و ذریه (معصومشان) 6 می باشد، (که حضرت مهدی از ایشانند).^{۴۴}

✓ خداوند در آیه دیگری درباره "آنانکه بر آنها انعام نموده است" سخن فرموده است: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

(^{۴۴}) معانی الأخبار ص ۳۱ ح ۷ / تفسیر نور الثقلین - ج ۱ ص ۲۳ ح ۱۰۱، و بحار الأنوار ج ۲۴ ص ۱۳ ح ۷: عن جعفر بن محمد (عليهما السلام) قال: قول الله (عزَّ وجلَّ) في الحمد: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ يعني محمداً و ذريته (صلوات الله عليهم).

وَحَسَنٌ أَوْلَيْكَ رَفِيقًا ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا^{٤٥}

خازنان وحی : در بیان این آیه شریفه آنها را نام برده اند و از ایشانند حضرت قائم 7. ^{٤٦}

٣٤- ﴿غیر المغضوب علیهم ولا الضالین﴾: بانفی اضداد و بیگانگان و برائت از نماد باطل؛ توضیح و تصریح بر متن حق می فرماید. در کلام خازنان وحی : آمده است که مقصود از ﴿المغضوب علیهم﴾ اضداد اربعة (لات و منات و عزى و هبل) و ناصبيان و دشمنان آل محمد 6 که خداوند آنها را بعد از مرگ هلاکشان مسخ می نماید، و منظور از ﴿الضالین﴾ پیروان دشمنان آل محمد 6، و شك کنندگان و جاهلان به معرفت امام 7 می باشد. ^{٤٧}

(٤٥) قرآن کریم سورة النساء آیه ٦٩.

(٤٦) تفسیر القمی- ج ١ ص ١٤٢: علی بن ابراهیم: فی تفسیره المنسوب للصادق علیه السلام قال: قال: النبي رسول الله، والصدّيقين علي، والشهداء الحسن والحسين، والصالحين الأئمة وحسن اولئك رفيقاً القائم من آل محمد عليهم الصلاة والسلام.

شواهد التنزيل: المجلد ١، الصفحة ١٥٥: الحافظ الحسكاني (الحنفي) قال: أخبرنا ابو العباس الفرغاني (سنده المذكور) عن حذيفة بن اليمان قال: دخلت على النبي صلى الله عليه وآله و سلم ذات يوم و قد نزلت عليه هذه الآية: (الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصّٰدِقِينَ وَ الشّٰهِدَاءِ وَ الصّٰلِحِينَ وَ حَسَنٌ أَوْلَيْكَ رَفِيقًا) فأقرأنيها، فقلت يا نبي الله فداك أبي و أمي من هؤلاء؟ اني أجد الله بهم حفيباً (أي: مكثرأ من المدح و الثناء و الاجلال - أقرب الموارد). قال صلى الله عليه وآله و سلم: يا حذيفة أنا (مِنَ النَّبِيِّينَ) الذين انعم الله عليهم، أنا اولهم في النبوة و آخرهم في البعث، و من (الصّٰدِقِينَ) علي بن أبي طالب، و لما بعثني الله عزوجل برسالته كان أول من صدق بي، ثم من (الشّٰهِدَاءِ) حمزة و جعفر و من (الصّٰلِحِينَ) الحسن و الحسين سيّدا شباب أهل الجنة، (وَ حَسَنٌ أَوْلَيْكَ رَفِيقًا) المهدي في زمانه.

(٤٧) تفسیر العياشي ج ١ ص ٢٨ ح ٢٨ / تفسیر البرهان ج ١ ص ١٢٢ ح ٣٦ / مشارق انوار اليقين ص ٢٨٠.

باب دوازدهم: بهره از معارف مهدوی 7 ویش کار بردی مهدوی

۳۵- با همه تفصیل و وسعت ابواب معارفی که در طی این صفحات آوردیم؛ ولی تنها اشاره ای بود به نمی ازیمی (ذره رطوبتی از دریایی) و قطره ای از اقیانوسی و ذره غباری از فضای بی پایان آسمان (پر کهکشان و اجرام و کواکب) معارف باطن کلام وحی و حقایق مهدوی 7، ولذا تا ادا شدن حق معرفت ایشان؛ راه بسیاری مانده است.

۳۶- در این باره؛ بهترین توصیف در متن کلام وحی و قرآن کریم آمده است: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَذَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾ (ترجمه) ای پیامبر بگو: اگر دریا مرکب شود (برای نوشتن) کلمات پروردگار من (کلمات ربّ = فضیلت حضرات) هر آینه دریا تمام می گشت قبل از اینکه (نوشتن) کلمات پروردگار من (فضیلت حضرات) (: به پایان رسد. ۴۸

۳۷- آنچه از فضایل مربوط به جنبه ملکوتی حضرات :بیان شد؛ نهایتا همه به حق تعالی باز می گردد و از شعاع نور اوست، و

اما جنبه خلقي ایشان که مرتبه ای جز مرتبه عبودیت کامله حق ندارد. بنابراین حقیقتی جز ذات اقدس حق وجود نداشته؛ و حضرات :تنها جلوه و نور و شعاع وجود او هستند.

۳۸- فلذا در همه جا و همه کار: مقصد اصلي و مقصود حقيقي خداوند متعال است، و حضرات : به حکم کعبه و قبله مي باشند که نشانگر حق هستند. از این رو در هر امری باید نیتمان: الله (تعالی شانه) باشد، هر چند توجهمان به حق؛ بوسیله حضرت مولا صاحب الأمر 7 محقق شود، و این وساطت هم موجب صحت عبودیت ما و نیز نشانه توفیق ما به توحید الهی است.

۳۹- آنچه فوقاً استنتاج گردید همه از دعای جلیلی (که از ناحیه مقدسه وارد شده و توصیه به خواندن آن در هر روز ماه رجب فرموده اند) الهام گرفته شده است، در این دعای شریف درباره حضرات : این طور تعبیر شده است:

...فجعلتهم معادن كلماتك و أركاناً لتوحيدك، و آياتك و مقاماتك التي لا تعطيل لها في كل مكان يعرفك بها من عرفك، لا فرق بينك و بينها إلاّ إنهم عبادك و خلقك ... فبهم ملأت سمائك و أرضك حتى ظهر أن لا إله إلاّ أنت...

(ترجمه) ... (خداوندا) پس تو آنها را قراردادی معادن کلمات

خودت و ارکان توحیدت، و نشانه‌ها و مقاماتی که هیچگاه تعطیل بردار نبوده و در هر جا ظاهر است، که بوسیله آنها تو را می‌شناسد؛ هر که بشناسد، هیچ فرقی میان تو و آنها (کلمات و آیات و مقامات) نبوده مگر اینکه آنها بنده تو و مخلوق تو هستند... پس با آنها تمام آسمان و زمین را پر نمودی آنچنان که آشکار گشت که هیچ معبودی جز تو نیست...

۴۰- بینش کاربردی مهدوی 7 درباره سوره حمد:

یعنی در اثر معرفت مهدوی 7 حاصله از تأمل در آیات قرآنی فاتحة الكتاب از بیان خازنان وحی:؛ باید بینش و رویکرد عملی ما با آن متناسب باشد، با توجه به این امر؛ بینش کاربردی مهدوی 7 ما باید چنین باشد:

از آیه ۱: همواره کارها را با نام الله رحمان رحیم آغاز نموده، و توسل به حضرت صاحب الأمر 7 در بدایت امور را سبب موفقیت و برکت آنها می‌دانیم.

از آیه ۲: حمد و سپاس نمودن پروردگار؛ و رعایت سپاسمندی نسبت به مولایمان حضرت صاحب الأمر 7 که مری و اداره کننده امور ما و جهان است، ادای وظیفه بندگی خود؛ و سبب فزونی بهره مادی و معنوی مان از کارهای دانیم.

از آیه ۳ و ۴: خداوند متعال؛ رحمان و رحیم (بخشاینده و بخشایشگر) و پروردگار جهانهاست، و اختیاردار امور در قیامت صغری و کبری می باشد، و در عرصه ظهور و رستاخیز چشم امید به مولایمان حضرت صاحب الأمر 7 داریم.

از آیه ۵: تنها خداوند متعال را می پرستیم و از او که قادر بی نیاز است؛ یاری می جوئیم، همچنین تنها از مولایمان حضرت صاحب الأمر 7 پیروی و اطاعت نموده، و به حضرتش در همه امور متوسل می شویم.

از آیه ۶ و ۷: از حق تعالی؛ راهیابی و هدایت به صراط مستقیم و معرفت تامّه مولایمان حضرت صاحب الأمر 7 را خواهانیم. آن شاهراه راستی که راه انبیاء و اوصیاء الهی بوده؛ و از راه دشمنان ولایت کبری (منه السلام) و جاهلان به معرفت مولا جداست.

آمین رب العالمین



فهرست مطالب جزء اول کتاب معرفت مهدوی 7 در کلام وحی

| | |
|----|--|
| ۳ | باب اول: نیاز به دانستن معارف مهدوی 7 نهفته در کلام وحی |
| ۶ | باب دوم: بیان انواع ارتباط معانی در آیات قرآنی |
| ۹ | باب سوم: انواع آیات قرآنی مرتبط با معارف مهدوی 7 |
| ۱۱ | باب چهارم: در اشاره به معارف مهدوی 7 نهفته در کلّ سوره فاتحه الکتاب |
| ۱۴ | باب پنجم: معارف مهدوی نهفته در آیه شریفه: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ |
| ۱۹ | باب ششم: معارف مهدوی نهفته در آیه شریفه: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ |
| ۲۲ | باب هفتم: معارف مهدوی نهفته در آیه شریفه: الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ |
| ۳۲ | باب هشتم: معارف مهدوی نهفته در آیه شریفه: مَا لِكَ یَوْمَ الدِّیْنِ |
| ۳۵ | باب نهم: معارف مهدوی نهفته در آیه شریفه: اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَاِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ |
| ۴۰ | باب دهم: معارف مهدوی نهفته در آیه شریفه: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ |
| ۴۳ | باب یازدهم: معارف مهدوی نهفته در آیه شریفه: صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ |
| ۴۵ | باب دوازدهم: بهره از معارف مهدوی 7 وینش کاربرد مهدوی 7 |



سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
① الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ②
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③ مَا لِكِ يَوْمَ الدِّينِ
④ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
⑤ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
⑥ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
الْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦

سُورَةُ الْبَقَرَةِ آيَاتُ ٢٥٥

پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلیٰ
علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی
علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی
علوم تقویم نجوم تحجیم - علوم پاکزیتی - علوم طب جامع
آموزش برتر (اعلیٰ) - دانش برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی به نیروی الهی
علوم تبارشناسی - رسانه های حیات اعلیٰ

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

۱۴۳۱

<http://Aelaa.net>
Hayaat@Aelaa.net

والحمد لله رب العالمین



یاد حضرت مولا صاحب الامر 7

در کلام وحی از میان خازنان وحی :

معرفت قرآنی به حضرت مهدی 7 جزء اول نشر دوم

تحقیق و تدوین: عبدالله علوی فاطمی

ارائه و نشر: پژوهشگاه علوم معرفت الهی بنیاد حیات اعلی

با همکاری: پژوهشگاه علوم کلام وحی و پژوهشگاه علوم کلام خازنان وحی :

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علمی

دارالمعارف الإلهیة